

102011

دانشگاه تهران  
دانشکده حقوق و علوم سیاسی

## نقش مرجعیت شیعه عراق در حفظ منافع ملی از حمله آمریکا تا کنون

( در شرایط اشغال از ۲۰۰۳ تا ۲۰۰۸ )

**استاد راهنما:** دکتر ابراهیم متقی

**استاد مشاور:** دکتر دوست محمدی

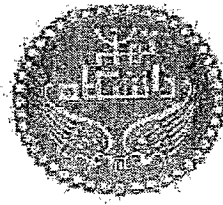
**گراورنده:** سید عدنان محقق

۱۳۸۸/۸/۲۰  
مطالعات مدرک علمی بزرگ  
تمسیر مدرک

برای اخذ درجه کارشناسی ارشد مطالعات منطقه ای - گرایش خاورمیانه

تابستان ۱۳۸۸

۱۲۵۶۵۱



دانشکده حقوق و علوم سیاسی  
گروه آموزشی مطالعات منطقه ای  
گواهی دفاع از پایان نامه کارشناسی ارشد

هیات داوران پایان نامه کارشناسی ارشد : سید عدنان محقق

در رشته : مطالعات منطقه ای : گرایش :

با عنوان : نقش مرجعیت شیعه عراق در حفظ منافع ملی از حمله آمریکا تاکنون

را در تاریخ : ۸۸/۴/۱۰

به عدد	به حروف
۱۸۱۵	هجده هزار و بیست و پنج

با نمره نهایی :

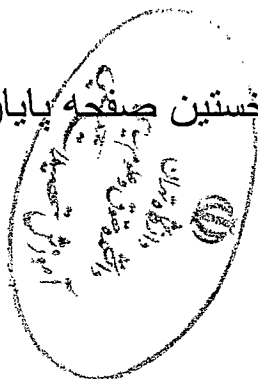
ارزیابی نمود.

سیار

با درجه :

ردیف	مشخصات هیات داوران	نام و نام خانوادگی	مرتبۀ دانشگاهی	دانشگاه یا موسسه	امضاء
۱	استاد راهنما استاد راهنمای دوم (حسب مورد):	دکتر ابراهیم متقی	دانشیار	دانشکده حقوق و علوم سیاسی	
۲	استاد مشاور	دکتر احمد دوست محمدی	استادیار	دانشکده حقوق و علوم سیاسی	
۳	استاد داور (یا استاد مشاور دوم)	دکتر حمید احمدی	استاد	دانشکده حقوق و علوم سیاسی	
۴	استاد مدعو				
۵	نماینده کمیته تحصیلات تکمیلی گروه آموزشی :	دکتر الهه کولایی	استاد	دانشکده حقوق و علوم سیاسی	

تذکر : این برگه پس از تکمیل هیات داوران در نخستین صفحه پایان نامه درج می گردد.



## فهرست

### کلیات طرح تحقیق

- ۱ - طرح مسأله ..... ۴
- ۲ - اهمیت پژوهش ..... ۵
- ۳ - سؤال اصلی ..... ۶
- ۴ - سؤال فرعی ..... ۶
- ۵ - فرضیه اصلی ..... ۶
- ۶ - متغیرها ..... ۶
- ۷ - نقطه تمرکز پژوهشی ..... ۶
- ۸ - روش پژوهش ..... ۷
- ۹ - سازماندهی پژوهشی ..... ۷
- ۱۰ - بررسی آثار مرتبط با موضوع ..... ۸
- ۱۱ - چارچوب نظری پژوهش ..... ۱۱
- منابع ..... ۱۸

### فصل اول: تاریخچه فعالیت سیاسی شیعیان عراق و منافع ملی

- الف: انگلستان و شیعیان (۱۹۲۱-۱۹۱۴) ..... ۱۹
  - ۱ - عراق در دست انگلستان ..... ۱۹
  - ۲ - نقش انگلستان در به قدرت رسیدن فیصل ..... ۱۹
  - ۳ - نقش شیعیان در به قدرت رسیدن فیصل ..... ۲۰
  - ۴ - سیاست انگلستان در برابر شیعیان ..... ۲۲
- ب: رژیم پادشاهی و شیعیان (۱۹۵۸-۱۹۲۱) ..... ۲۴
  - ۱ - جایگاه سیاسی شیعیان ..... ۲۴
  - ۲ - جایگاه اقتصادی - اجتماعی شیعیان ..... ۲۵
- ج: رژیم های انقلابی و شیعیان (۲۰۰۳-۱۹۵۸) ..... ۲۶
  - ۱ - جایگاه سیاسی شیعیان ..... ۲۶
  - ۲ - جایگاه اقتصادی - اجتماعی شیعیان ..... ۲۸
- د: منافع ملی عراق (در شرایط اشغال) ..... ۲۹

منابع فصل اول..... ۳۲

## فصل دوم: تحولات سیاسی عراق پس از سقوط رژیم صدام حسین و به قدرت

### رسیدن شیعیان

- الف - اجرای طرح خاورمیانه بزرگ..... ۳۳
- ۱ - پیشینه و بایستگی طرح خاورمیانه بزرگ..... ۳۴
- ۲ - هدف و راهکارهای طرح خاورمیانه بزرگ..... ۳۷
- ۳ - عراق مقدمه طرح خاورمیانه بزرگ..... ۳۸
- ب: تاثیر بافت جمعیتی عراق بر ساختار و شکل بندی قدرت..... ۳۹
- ۱ - شیعیان..... ۳۹
- ۲ - سنی ها..... ۴۰
- ۳ - بافت جمعیتی پایتخت عراق..... ۴۱
- ۴ - بافت جمعیتی و فرایندهای انتخاباتی در عراق جدید..... ۴۲
- ج: قانون اساسی در عراق جدید..... ۴۳
- ۱ - انتخابات و همه پرسی در عراق..... ۴۳
- ۲ - قانون اساسی جدید عراق..... ۴۵
- ۳ - ویژگی های قانون اساسی جدید..... ۴۶
- ۴ - جایگاه شیعیان در قانون اساسی جدید عراق..... ۴۷
- ۵ - اعراب سنی و قانون اساسی جدید..... ۴۸
- منابع فصل دوم..... ۵۱

## فصل سوم: جامعه مدنی در عراق و بررسی شاخص های آن

- ۱ - ریشه های تاریخی و اجتماعی..... ۵۳
- ۲ - نظامی گری..... ۵۴
- ۳ - احزاب سیاسی و نقش آنها..... ۵۵
- ۴ - جنگ های متعدد..... ۵۷
- ۵ - ارزش های بدوی - عشائری..... ۵۸
- ۶ - قدرت های بزرگ..... ۵۹
- ۷ - ساختار اقتدارگرایی (فرهنگ سیاسی)..... ۶۱
- منابع فصل سوم..... ۶۵

## فصل چهارم: نقش و کارکرد مرجعیت در عراق معاصر و پس از حمله آمریکا

الف: مرجعیت فراملی ..... ۶۶

- ۱- مرجعیت و مسایل قومی ..... ۶۷
  - ۲- ترکیب نژادی در حوزه علمیه نجف و کربلا ..... ۶۸
  - ۳- همراهی علمای نجف با جریان اتحاد اسلام ..... ۷۰
  - ۴- مرجعیت و ثوره العشرین ..... ۷۱
  - ۵- مرجعیت و تحولات ایران ..... ۷۳
  - ۶- انتقال مرجعیت ایران ..... ۷۷
- ب: چالش های مرجعیت شیعه پیش از سقوط صدام حسین ..... ۷۸

- ۱- بازگشت مرجعیت به عراق ..... ۷۸
- مشارکت فعال اعراب شیعه در حوزه نجف ..... ۷۸
- سیاست طائفی در عراق ..... ۸۱
- مرجعیت عراق و ایران ..... ۸۵
- ۲- اخراج ایرانیان از عراق ..... ۸۸
- ۳- تاسیس حزب الدعوه ..... ۹۰
- ۴- مرجعیت آیت ... خویی ..... ۹۴
- ۵- حزب بعث و ایجاد مرجعیت عربی ..... ۹۸

ج: نقش و کارکرد مرجعیت شیعه پس از سقوط رژیم صدام حسین

- ۱- اصل تعیین سرنوشت، حاکمیت ملی تمامیت ارضی عراق ..... ۱۰۴
- ۲- چشم نداشتن مرجعیت به حکومت در عراق، اما توجیه، ارشاد و اشراف .. ۱۰۸
- ۳- تاکید بر اصل دموکراتیک بودن نظام سیاسی آینده عراق ..... ۱۰۸
- ۴- تاکید بر اشغالگر بودن آمریکا نسبت به عراق ..... ۱۰۹
- ۵- تقویت تفاهم و سازش ملی برای پیگیری منافع ملی و جلوگیری از جنگ داخلی ..... ۱۱۲
- ۶- مرجعیت و توافقنامه راهبردی عراق - ایالات متحده آمریکا و منافع ملی عراق ... ۱۱۴
- منابع فصل چهارم ..... ۱۱۷
- نتیجه گیری ..... ۱۲۲
- منابع و مأخذ ..... ۱۲۵

## کلیات طرح تحقیق

### ۱- طرح مسئله

کشور عراق که با قرارداد سایکس - پیکو میان فرانسه و انگلیس - فاتحان جنگ جهانی نخست - بر سر تقسیم سرزمین‌های خاورمیانه عربی امپراتوری شکست خورده عثمانی شکل گرفت، از همان آغاز از درد ساختگی رنج می‌برد. این کشور از پیوند نامتناسب ایالت پیشین عثمانی یعنی موصل (شمال - کردنشین)، بغداد (مرکز - عرب سنی نشین) و بصره (جنوب - عرب شیعه نشین) و بر پایه نیازهای سیاست خارجی انگلستان پدید آمد. ساختگی بودن از همان نخستین سال‌های شکل‌گیری این کشور (۱۹۲۰) در همه جنبه‌ها و امور آنان به چشم می‌خورد و تا به امروز نیز به چشم می‌خورد. در واقع، اگر در خوش بینانه‌ترین حالت، مردم این سه ایالت را به خاطر رهایی از سلطه ترکان عثمانی و چشیدن مزه استقلال برای نخستین بار، خواهان تشکیل این کشور بدانیم امنیت انگلستان از ایجاد چنین کشوری را نمی‌توان نادیده گرفت. انگلستان - به‌عنوان یکی از کشورهای پیروز جنگ جهانی نخست - برای برقراری توازن قدرت در منطقه و جلوگیری از قدرت‌گیری و سلطه ایران (به ویژه در جنوب شیعه نشین و شمال کردنشین)، به تشکیل کشور عراق اقدام کرد. در واقع ترس چهارصد ساله عثمانی از نفوذ و سلطه ایران بر میان دو رود (بین‌النهرین) و شهرهای مقدس عراق، به جانشینان آنها یعنی انگلیسی‌ها منتقل شد و انگلیسی‌ها در ادامه سیاست خود برای استقرار نظم انگلیسی در منطقه، به ایجاد این کشور و مهم‌تر از آن حاکم کردن اقلیت ۲۰ درصدی عرب سنی بر اکثریت ۶۰ درصدی عرب شیعه و ۲۰ درصدی کرد اقدام کرد. این دو اقدام انگلستان، بهترین دلیل و عامل رخدادها و سیاست و حکومت هشتاد ساله کشور عراق می‌باشد و در طول این هشتاد سال تا کنون پیوند میان این سه بخش بیگانه از هم، ایجاد هویت ملی و مسئله انزوا و محرومیت اکثریت شیعه، مهمترین مفصل و چالشی حکومت‌های عراق، چه پادشاهی و چه جمهوری بوده است و پیامدهای آن بارها به کشورهای همسایه و منطقه نیز کشیده شده است.

طرح آمریکایی خاورمیانه بزرگ در واقع پس از حدود یک سده در پی جایگزینی نظم آمریکایی به جای نظم انگلیسی است. محور این طرح نه افغانستان - که در سال ۲۰۰۱ اشغال شد - بلکه عراق بود که در سال ۲۰۰۳ به اشغال نیروهای ائتلاف به رهبری ایالات متحده درآمد. اشغال عراق در آوریل ۲۰۰۳، دو محور نظم انگلیسی حاکم بر این کشور یعنی یکپارچگی میانی این سه استان پیشین عثمانی و فرمان‌روایی اقلیت عرب سنی را به چالش کشید. تثبیت خودمختاری در شمال عراق و جدی شدن اجرای آن در جنوب کشور و همچنین تشکیل دولت‌های انتقالی، موقت و دائم عراق از سال ۲۰۰۳ تا ۲۰۰۶ با اکثریت اعضای شیعه و رهبری و تسلط شیعیان در پارلمان در نظام

نوبین پارلمان عراق، همه و همه بیانگر و تأییدکننده اهتمام ایالات متحده بر تغییر نظم و سیستم پیشین حاکم بر این کشور است. به جرأت می‌توان ادعا کرد، بدون دخالت ایالت متحده در راستای اجرای طرح خاورمیانه بزرگ در منطقه، نظم پیشین انگلیسی حاکم بر منطقه و تک‌تک کشورهای آن برای سال‌ها و دهه‌های آینده ادامه می‌یافت.

تأکید ایالات متحده بر مردم‌سالاری، حقوق بشر، آزادی بیان و... در این طرح، مهم‌ترین عامل و دلیل به قدرت رسیدن شیعیان پس از چندین سده در این کشور و پس از ۸۰ سال در کشور عراق بوده است. اهمیت این مورد در اکثریت بودن شیعیان عراق در این کشور مورد توجه است. در نتیجه شیعیان که دهه‌های متمادی از حقوق سیاسی و حتی اقتصادی محروم بوده‌اند، با سقوط رژیم صدام حسین و پیش آمدن شرایط جدید که فوق‌العاده حساس و بحرانی بود، نقش کلیدی مرجعیت شیعه در ایجاد تعادل و توازن و یکپارچگی میان خواسته‌های و منافع ملی عراق وارد صحنه‌ی سیاسی شده‌اند. (جمهوری وحشت) به سرعت غیرقابل تصور سقوط کرد، این اشغال برای مردم عراق بسیار سخت تمام شد، زیرا شیرازه حکومت دیکتاتوری صدام حسین با تمام ساختارهای امنیتی - نظامی منحل و فضای هرج و مرج و ناامنی عراق را با تهدید جدی روبرو کرد.

احزاب و گروه‌های سیاسی عراقی تماماً در خارج از عراق سازماندهی و یا حتی تأسیس شده‌اند، این احزاب رابطه چندانی با مردم عراق برقرار نکرده بودند.

تعدد قومیتی - طایفه‌ای و مذهبی در تاریخ معاصر عراق که کاملاً از هم بیگانه بوده‌اند، به دلیل نوع خاصی رفتار حکومت صدام حسین که با این سه اجزای اصلی ملت عراق.

حال با توجه به مفروضات فوق این سؤال مطرح می‌شود که عامل اصلی تأمین و حفظ منافع ملی عراق در دوره زمانی اشغال چیست (۲۰۰۳ تا ۲۰۰۸).

## ۲- اهمیت پژوهش:

جامعه شیعیان عراق طیف‌های فکری گسترده‌ای را در خود جای داده است. به طوری که برخی از آنان سکولار، برخی محافظه‌کار و برخی دیگر میانه‌رو هستند اما با این حال وجهه مشخصه همگی آنها این است که اینان به مراجع دینی خود ارجح می‌نهند، و این احترام از زمان سرنگونی رژیم صدام حسین به این سو به روشنی در میان آنان دیده شده است تا بدانجا که می‌توان گفت اهمیت این طور نگرش مردم عراق نسبت به مرجعیت پس از سقوط رژیم صدام حسین به اوج خود رسیده است و این بیش از هر چیز به خاطر آن بود که اینان می‌توانستند نقش مهمی را در تعیین بخشی به آینده عراق به تصویر کشید.



چرا که با توجه به مقبولیت و مشروعیت عام مراجع عظام عراق بی تردید اینان می‌توانستند با وحدت بخشی به عامه مسلمانان عراق، سرنوشت عراق را فارغ از هرگونه طمع‌جویی بیگانگان و اشغالگران در ید قدرت خود بگیرند.

به هر روی نظر به اهمیت نقش مرجعیت در تحولات این کشور در پس از هنگامه اشغال، این پژوهش درصدد واکاوی جلوه‌ها و جنبه‌های مختلف جایگاه مراجع عراق در حوزه تعیین بخشی به تحولات این کشور برآمده است و اهمیت این پژوهش هم ناظر به مسأله می‌تواند ارزیابی شود.

### ۳- سؤال اصلی:

آیا مرجعیت شیعه عراق عامل اصلی حفظ منافع ملی بین سالهای ۲۰۰۳ تا ۲۰۰۸ بوده است؟

### ۴- سؤال فرعی:

آیا جامعه مدنی در عراق پس از سقوط رژیم صدام حسین عامل اصلی حفظ منافع ملی از سال ۲۰۰۳ تا ۲۰۰۸ بوده است.

### ۵- فرضیه اصلی:

عامل اصلی حفظ منافع ملی در عراق پس از سقوط رژیم صدام حسین نقش مرجعیت شیعه است.

### ۶- متغیرها:

با عطف توجه به عنوان این پژوهش، متغیر مستقل این تحقیق مرجعیت شیعه عراق بوده و متغیر وابسته این تحقیق حفظ منافع ملی عراق در پس از هنگامه حمله آمریکا به عراق در نظر گرفته شده است.

### ۷- نقطه تمرکز پژوهشی

محدوده زمانی تحقیق برای بررسی نقش مرجعیت مربوط بلافاصله پس از سقوط رژیم صدام حسین است، به عبارت دیگر در سالهای ۲۰۰۳ تا ۲۰۰۸. ضمن اینکه نقش مرجعیت در تاریخ معاصر عراق مورد بررسی قرار گرفته است.

## ۸- روش پژوهش:

به نظر می‌رسد پیرامون شناخت متدلوژی خاص این تحقیق با توجه به اینکه متغیر مستقل این پژوهش مرجعیت در عراق بوده و متغیر وابسته آن جایگاه اینان در حقط منافع ملی در عراق (پس از حمله آمریکا) می‌باشد، بهترین روش بهره‌گیری از شیوه توصیفی - تحلیلی می‌باشد. چرا که از یک طرف ما می‌بایست به توصیف بسترهای خاص اهمیت یافتن مرجعیت در عراق اشاره نماییم و در عین حال این نگاه را با نگرش تحلیلی در بستر زمان پس از حمله آمریکا به عراق مورد مذاقه و بررسی قرار دهیم. ضمن اینکه در کنار رأی مسأله بایستی توجه داشت که روش گردآوری اطلاعات و داده‌ها در این پژوهش به رسم متعارف بیشتر اسنادی - کتابخانه‌ای خواهد بود.

## ۹- سازماندهی پژوهش

نوشتار حاضر در قالب یک کلیات طرح پژوهشی که عبارتند از (سؤال، فرضیه و...) و چارچوب نظری پژوهش در بر می‌گیرد و دارای چهار فصل می‌باشد. فصل اول تحت عنوان تاریخچه فعالیت سیاسی شیعیان عراق و منافع ملی به فعالیت شیعیان در تاریخ معاصر این کشور می‌پردازد، زیرا به سه دوره تقسیم می‌شود (دوره قیمومت انگلستان بر عراق - دوره پادشاهی - دوره رژیم‌های انقلابی)، تأکید بر این است که نقش شیعیان به‌عنوان اکثریت اما بدون دستیابی به هرگونه منافع سیاسی و اقتصادی و نمایندگی در این دوره‌های مختلف و محرومیت از این حقوق سپری شده، اما در مقابل واکنش و رفتار علما و مراجع شیعه در مسایل کلان و منافع کلی مردم عراق بی‌تفاوت نبوده، اگرچه آنان با حکومتگران روابط خوبی نداشتند. همچنین در فصل اول تعریف و مفهوم کلی از منافع ملی از دید اندیشمندان علوم سیاسی ارائه شده است، اما در خصوص منافع ملی عراق فرضی بر آن است که این منافع را به دلیل واقع بودن عراق تحت اشغال آن را در حالت و شرایط بحرانی در نظر گرفته شود، زیرا منافع ملی کشورها در موقعیت و شرایط مختلف تعاریف و اولویت‌های متفاوتی از خود دارد.

در فصل دوم به تحولات سیاسی عراق پس از سقوط رژیم صدام حسین و بویژه به قدرت رسیدن شیعیان می‌پردازد، هدف اصلی این فصل بیان چگونگی به قدرت رسیدن شیعیان در عراق پس از اشغال است.

ابتدا به طرح خاورمیانه بزرگ که توسط ایالات متحده آمریکا طراحی و اجرا شد پرداخته می‌شود و سپس برای توضیح چگونگی به قدرت رسیدن نیاز بود به تأثیر بافت جمعیتی عراق پرداخته شود تا معلوم شود که به قدرت رسیدن شیعیان بر اساس قواعد دمکراتیک و حق طبیعی اکثریت شیعیان

فصل سوم جامعه مدنی عراق مورد بررسی قرار گرفته که همان فرضیه جانشینی پژوهشی را شکل می‌دهد، در این قسمت به طور تفصیلی شاخص‌های جامعه مدنی عراق به بررسی و تحلیل گذاشته می‌شود، که پس از شمردن این شاخص‌های معلوم می‌شود که عراق بر اساس این شاخص‌ها فاقد جامعه مدنی است، در این صورت نمی‌توان انتظار داشت که در چنین شرایطی مانند فقدان حاکمیت ملی و زیر استفاده بودن کشور، جامعه مدنی حفاظت از منافع ملی را به عهده خود بگیرد، زیرا هرگز چنین جامعه‌ای در عراق هرگز وجود نداشته است. در نتیجه با رد این فرضیه (جانشینی) به اثبات فرضیه اصلی پژوهشی می‌پردازیم. در آغاز فصل چهارم و تعریف مرجعیت به عنوان نهادی فراملی به جایگاه آن در جامعه مسلمانان شیعه که عهده‌دار رهبری دینی آن است مورد بررسی قرار می‌گیرد. در قسمت دیگر این فصل رفتار مرجعیت در قبال دولتهای که بر عراق تسلط داشتند (عثمانی - انگلستان) را به عنوان عملکرد مرجعیت با قدرت‌های بیگانه به بررسی و سپس به چالش‌های مرجعیت در دو دهه اخیر تاریخ عراق به عنوان رفتار مرجعیت با دولتهای حاکم و غیرمردمی مسلط بر عراق به عنوان رفتار مرجعیت شیعه با استبداد داخلی عراق و مشکلات فراروی آنان، از طرفی واکنش آنان نسبتاً به اقدامات خصمانه حکومتگران و اینکه تحولات داخلی در حوزه‌های علمیه می‌پردازد، این رفتارهای مرجعیت و علمای شیعه به عنوان بسترهای تاریخی عملکرد سیاسی مرجعیت شیعه عراق در این پژوهش استفاده شده است. در قسمت آخر به سخن اصلی پژوهش که همان نقش شیعه در رویدادهای پس از اشغال به طور تفصیلی می‌پردازیم و مصادیق آن ذکر می‌شود، زیرا عملکرد مرجعیت شیعه به محقق کردن حفظ منافع ملی در شرایط بحرانی و فقدان حاکمیت ملی مورد بحث قرار می‌گیرد، از این رو رویکرد اصلی مرجعیت شیعه عراق که همان نقش فرامذهبی - فراقومی است با ذکر موارد، بیان و مورد تحلیل و ارزیابی و سپس به اثبات می‌رسد.

در آخر با جمع‌بندی نقش مرجعیت شیعه در عراق پس از صدام و اثبات فرضیه اصلی نتیجه‌گیری می‌شود.

## ۱۰- بررسی آثار مرتبط با موضوع

با توجه به تازه بودن مسئله نقش شیعیان در ساختار قدرت که تا پیش از آوریل ۲۰۰۳ و سرنگونی صدام حسین، به طور جدی به آن پرداخته نشده است، از جمله نقش مرجعیت شیعه در آن شرایط حساس، منابع مهم مورد استفاده نگارنده اغلب به زبان عربی بوده، از جمله:

- ۱- السید السیستانی (۲۰۰۷)، النصوص الصادره عن سماحه السید السیستانی فی المسأله العراقیه، اعداد حامد الخفاف) بیروت؛ دارالمؤرخ العربی.
- ۲- الشیخ الفیاضی (۱۴۲۸)، بیانات و توجیها ت سماحه الشیخ الفیاض، النجف الاشرف: اصدارات الشیخ الفیاضی.

۳- ولی نصر (۲۰۰۷)، صحوه الشیعه، مترجم سامی الکعکی، بیروت: دارالکتاب العربی.

در این کتاب خاستگاه شیعه و تحول آن را در طول تاریخ مورد بررسی قرار گرفته و بحص اصلی او پیرامون این ایده است که سرنوشت خاورمیانه به درگیری‌های شیعه و سنی است و نه بحث‌های مربوط به دموکراسی و یا جهانی شدن. در طول کتاب توصیف خواندنی از آیین‌ها، مراسم و باورهای این دو گروه نیز روبرو می‌شویم، هدف عمده نصر قوت گرفتن شیعیان در عراق و تهدیدآمیزتر بودن آن نسبت به انقلاب اسلامی ایران است. زیرا ایران به دلیل آن که زبان نشان عربی نیست در نفوذ و قدرت یافتن با محدودیت مواجه هستند. اما اعراب شیعه تمام ابزار قومی، مذهبی، سیاسی و اقتصادی را برای فراتر از مرزهای جغرافیایی و تبدیل شدن به نیروی قدرتمند دارا هستند ولی نصر آیت‌... سیستانی را انسانی دانشمند و فرهیخته با درک تاریخی و دید وسیع معرفی می‌کند. نصر در خصوص مرجعیت عراق معاصر مرتبط با مؤلفه‌های منطقه‌ای و بین‌المللی قلمداد کرده و از شرایط داخلی (اجتماعی- اقتصادی) عراق دور بوده، زیرا مردم عراق از ابتدای جنگ عراق علیه ایران و پس از آن جنگ کویت از لحاظ اقتصادی با مشکلات جدی روبرو بوده‌اند، که این مشکلات با بیش از دو دهه کمک مالی مرجعیت به مردم، رابطه مردم و مرجعیت تحول تازه‌ای پیدا می‌کند، از طرفی نگاه مردم عراق به گروه‌های سیاسی و احزاب و شخصیت‌های سیاسی نامأنوس و بی‌اعتماد بوده، در نتیجه نویسنده، نوع رابطه مرجعیت با مردم عراق را نادیده گرفته است، لذا این مورد مهمترین تحول در جامعه کنونی عراق مورد توجه است.

۴- حسین الشامی (۲۰۰۶)، المرجعیه الشیعیه من الذات الی المؤسسسه، بغداد بدارالاسلام. نویسنده کتاب از نخبگان حوزوی و رئیس سازمان حج و زیارت شیعیان عراق است (دیوان الوقف الشیعی). این کتاب شامل چهار باب و چند فصل است. و نگاه مسلط، نگاه تاریخی است. نگارنده حوزه علمیه نجف را جزء مهم از تاریخ معاصر و اندیشه شیعه عراق مشخصه مهم زندگی و حیات جامعه عراق قلمداد می‌کند. وی اصلاحات صورت گرفته در سطح حوزه‌های علمی را بشکل تفصیلی بیان می‌کند. الشامی از نوع رابطه بین جامعه عراق و مرجعیت شیعه و تبیین این رابطه غافل مانده است زیرا مرجعیت را جدایی از تحولات سیاسی-اجتماعی عراق بررسی می‌کند، بار دیگر این منبع مانند دیگر منابع تاریخ مرجعیت بسنده کرده.

5- Yitzha Nakash (1994), *The Shi'is of Iraq*, New Jersey: Princeton, Princeton university Press.

این کتاب از کتاب‌های مهم و مرجع در زمینه تاریخ، چگونگی پیدایش، آیین‌ها، اعمال مذهبی، شهرهای مقدس، مرجعیت و غیره است. نویسنده کتاب اسحاق نقاش از کارشناسان امور عراق به ویژه شیعیان عراق و منطقه در آمریکا است. وی در این کتاب به بررسی دقیق تاریخچه پیدایش شیعیان عراق در سده‌های هجده و نوزده پرداخته و علل ناکامی آنها در دستیابی به قدرت در آغاز استقلال عراق در سده بیست را شرح می‌دهد. همچنین آیین‌ها، اعمال مذهبی، شهرهای مقدس، موقوفه‌ها، مرجعیت و منابع مالی آن و... از دیگر موضوعاتی است که در این کتاب مورد بررسی قرار گرفته است.

6- Charler Tripp (2002). *A History of Iraq* Cambridge: Cambridge University Press.

این کتاب به بررسی موشکافانه تاریخ عراق در سده بیستم می‌پردازد. چالز تریپ نویسنده کتاب، از کارشناسان برجسته عراق است و در این کتاب تحولات سیاسی، اجتماعی و اقتصادی جامعه عراق از جمله شیعیان و کردها را در سده بیستم مورد کاوش قرار می‌دهد. بررسی اپوزیسیون شیعه و کرد در سده بیستم از بخش‌های سودمند کتاب برای بررسی احزاب و مخالفان سیاسی شیعه است.

۷- گراهام فولر (۱۳۸۴)، شیعیان عراق مسلمانان فراموش شده، ترجمه خدیجه تبریزی، قم: انتشارات شیعه‌شناسی.

این کتاب از مهم‌ترین کتاب‌ها و نوشته‌ها در زمینه شیعیان عرب از جمله شیعیان عراق نویسندگان این کتاب به ویژه آقای گراهام فولر از کارشناسان عراق و خاورمیانه و از شیعه شناسان برجسته وزارت خارجه ایالات متحده به شمار می‌رود. این کتاب با وجودی که در سال ۱۹۹۹ نوشته شده است اما مطالب آن به گونه‌ای است که گویی نویسندگان آن از اشغال عراق و به قدرت رسیدن شیعیان در (۲۰۰۳) آگاه بوده‌اند.

8- Cole, Juan, "The Ayatollahs and Democracy in Iraq" Amsterdam: Amsterdam University Press, 2006.

نویسنده کتاب استاد تاریخ در دانشگاه شیکاگو آمریکا است. از وی مقالات زیادی در خصوص مسایل و تاریخ معاصر عراق به چاپ رسیده، این کتاب به بررسی تحولات و رخدادهای عراق پس از آوریل ۲۰۰۳ می‌پردازد. نگارنده کتاب به کالبد شکافی جریان‌های سیاسی اصلی شیعیان مانند حزب الدعوه، مجلسی اعلای انقلاب اسلامی عراق و جریان صدر از دید سیاسی- اجتماعی به تحلیل و بازخوانی می‌پردازد، دیگر اینکه نقش پل برمر حاکم غیرنظامی آمریکا در عراق، مجلس حکم، دولت انتظامی و اختلاف نظر آنان را با مرجعیت شیعه مورد بررسی قرار داده.

رویه‌مرفته منابع یاد شده اگرچه از نظر تحلیل و اطلاعات از جایگاه مناسب برخوردار است اما نتوانسته‌اند نقش مرجعیت که مهمترین ویژگی زمانی پس از حمله آمریکا و سقوط رژیم صدام حسین است به‌طور دقیق و درخور مسأله بیان کنند، زیرا؛

۱- منابع که به قلم نویسندگان عراقی به رشته تحریر درآمده در رعایت نکات علمی و پژوهش ناموفق بوده، زیرا اغلب به صورت شعایر و یک طرفه آمده، دیگر اینکه پراکنده در روزنامه‌ها و مجلات عمومی و غیرپژوهشی منتشر شده است.

۲- منابع دیگر بصورت عمد یا غیرعمد نقش مرجعیت شیعه را اساسی ندانسته و اگر یاد کرده فقط در قالب طایفه‌ای (شیعه- سنی- کرد) بوده، لذا بخاطر خلأ تئوریک که در پژوهش‌های گذشته در ارتباط با موضوع مورد بررسی احساس شد و نقش مرجعیت شیعه مورد توجه واقع نشده است، این پژوهش قصد بر آن دارد که مرجعیت را در شرایط بسیار حساس و بحرانی پس از سقوط صدام حسینی با (نبود امنیت- قتل- غارت- حضور نیروهای اشغالگر- فقدان حاکمیت ملی) بطور دقیق با تجزیه و تحلیل اطلاعاتی‌ها و رفتارهای عملی مراجع شیعه، پابندی مردم در پیروی از مرجعیت، از طرفی پافشاری مرجعیت بر مواضع که دال بر تأمین و

از آوریل ۲۰۰۳ می‌پردازد. نگارنده کتاب به کالبد شکافی جریانات سیاسی اصلی شیعیان مانند حزب الدعوه، مجلسی اعلای انقلاب اسلامی عراق و جریان صدر از دید سیاسی - اجتماعی به تحلیل و بازخوانی می‌پردازد، دیگر اینکه نقش پل برمر حاکم غیرنظامی آمریکا در عراق، مجلس حکم، دولت انتظامی و اختلاف نظر آنان را با مرجعیت شیعه مورد بررسی قرار داده است.

روی هم رفته منابع یاد شده اگرچه از نظر تحلیل و اطلاعات از جایگاه مناسب برخوردار است اما نتوانسته‌اند نقش مرجعیت که مهمترین ویژگی زمانی پس از حمله آمریکا و سقوط رژیم صدام حسین است به‌طور دقیق و در خور مسأله بیان کند، زیرا:

۱- منابع که به قلم نویسندگان عراقی به رشته تحریر درآمده در رعایت نکات علمی و پژوهش ناموفق بوده، زیرا اغلب به صورت شعائر و یک طرفه آمده، دیگر اینکه پراکنده در روزنامه‌ها و مجلات عمومی و غیرپژوهشی منتشر شده است.

۲- منابع دیگر به صورت عمد یا غیرعمد نقش مرجعیت شیعه را اساسی ندانسته و اگر یاد کرده فقط در قالب طایفه‌ای (شیعه - سنی - کرد) بوده، لذا به خاطر خیلاً تئوریک که در پژوهش‌های گذشته در ارتباط با موضوع مورد بررسی احساس شد و نقش مرجعیت شیعه مورد توجه واقع نشده است، این پژوهش قصد بر آن دارد که مرجعیت را در شرایط بسیار حساس و بحرانی پس از سقوط صدام حسینی با (نبود امنیت - قتل - غارت - حضور نیروهای اشغالگر - فقدان حاکمیت ملی) بطور دقیق با تجزیه و تحلیل اطلاعاتی و رفتارهای عملی مراجع شیعه، پابندی مردم در پیروی از مرجعیت، از طرفی پافشاری مرجعیت بر مواضع که دال بر تأمین و حفظ منافع ملی عراق است، در نتیجه برآوردن خواسته‌های مردم عراق مورد بررسی قرار دهد.

## ۱۱- چارچوب نظری پژوهش

### نظریه ساخت یابی:

رابطه بین کارگزار و ساختار در حوزه جامعه‌شناسی از زمانهای بسیار دور یکی از مسائل اساسی حاکم بر نظریات روش‌شناسی، معرفت‌شناسی و هستی‌شناسی بوده است. در پژوهش حاضر با لحاظ قرار دادن به ساختارها و کارگزاران سیاسی، لازم است که به هر دوی این مسائل پرداخته شود. رابطه بین کارگزار و ساختار، معضل بنیادین برای هر نظریه اجتماعی است. مسئله ساختار و کارگزار امروزه یکی از مباحث و مسائل بنیادی در علوم اجتماعی است. « رویکرد دوگانه و دوقطبی درباره فرایند تکوین و صورتبندی مفاهیم یا بر تفوق و برتری سطح کلان بر خرد یا بر تقدم سطح خرد بر کلان تأکید دارد.»<sup>(۱)</sup>

۳- نظریاتی که اصالت را به رابطه بین کارگزار و ساختار می‌دهند و به سیالیت در رابطه کارگزار و ساختار اعتقاد دارند.

گروه اول عاملان اجتماعی و رفتار آنها را عنصر محوری در مسائل اجتماعی می‌دانند. از این منظر دیدگاهها، اعتقادات، آگاهی و شناخت هویت فردی و جمعیت و رفتار عامل بنیادین شکل‌گیری وقایع و حوادث و تغییرات اجتماعی هستند. گروه دوم که به ساختارگرایان مشهورند، شرایط اجتماعی، زمینه‌ها و ساخت اجتماعی، زمینه‌ها و ساخت اجتماع، طبقات و دولت و عواملی مانند اینها را تعیین‌کننده رفتار عاملان و کنش‌گران و روابط اجتماعی آنها محسوب می‌کنند.

بالاخره دسته سوم اصالت را به رابطه بین این دو می‌گذارند یعنی در درجه نخست این افراد و کارگزاری می‌سازند ولی در مرحله بعد از شکل‌گیری ساختار، این ساختارها هستند که به رفتار کارگزاران قدام می‌دهند یعنی در واقع به رابطه متقابل کارگزار و ساختار اعتقاد دارند. با این مقدمه ابتدا به

صورت موجز و مختصر به تعویق سوژه و ابژه و یا اصطلاح جامعه‌شناختی کارگزار و ساختار می‌پردازیم و پس نظریه ساخت‌یابی یا ساختاربندی (Structuration Theory) را شرح خواهیم داد.

## ۱- اصالت ذهن یا کارگزاری

در این دیدگاه «پدیده‌های اجتماعی حاصل افعال آدمیان است و آدمیان کارگزارانی هستند که ارزش، اعتقاد، هدف، معنی، امر و نهی بر افعالشان حکومت می‌کند»<sup>۳</sup>. پذیرش نظریه اصالت ذهن در حوزه علوم اجتماعی پیامدهای گوناگونی را در پی دارد. اول اینکه نظم اجتماعی با نظم طبیعی تفاوت دارد زیرا در نظم اجتماعی نسبت، اراده و آگاهی مهم است ولی در نظم طبیعی اوصاف ثابت و عینی و قانون طبیعی حاکم بر آنها مهم است. دیگر اینکه نیت متد بودن، ارادی بودن، عالمانه بودن پدیده‌های اجتماعی راه را برای تبیین در علوم اجتماعی باز می‌کند که در علوم طبیعی ممکن نیست. در این صورت پدیده‌های اجتماعی حاصل عمده هدفمند کارگزاران هستند. به عبارتی با آگاهی از اینکه انسانها چه خواسته‌ای دارند و اعتقادات آنها چیست و از عملشان چه هدفی دارند می‌توان به فهم و تبیین عمل آنها پرداخت. در اینجا قرض بر این است که «پدیده‌های اجتماعی محصول اعمال



هدفدار کارگزاران هستند»<sup>۴</sup> آگاهی و اعمال انسان در این دیدگاه نقش تعیین کننده‌ای دارد. در عرصه روابط بین‌الملل دیدگاه‌هایی مثل ایدالیسم، رئالیسم، فمینیسم به نقش کارگزاری اعتقاد دارند هرچند که اشکال نورئالیسم مثل دیدگاه والتز تا اندازه‌ای ساختارگرا و یک دیدگاه کلان‌نگر است.

## ۲- ساختارگرایی

اصطلاح ساختارگرایی در زبان‌شناسی نخست به وسیلهٔ یاکوبسن مورد استفاده قرار گرفت که آن را از کاردوسو سور بیرون کشیده در اواخر دهه ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰ تغییر بنیادینی در خصلت و سبک فلسفه و جامعه‌شناسی فرانسه روی دارد که به واقع می‌توان آن را انقلاب نامید. برچسبی که بر این انقلاب می‌زنند ساختارگرایی است. ساختارگرایی بر اساس آموزه‌ای است درباره زبان، اگرچه می‌توان آن را در مورد جنبه‌های دیگر زندگی انسان تا آنجا که بتوان آنها را با تمثیل زبان فهمید به کار برد. از نظر سوسور «زبان یک نظام شمرده می‌شود زیرا نهادی اجتماعی است، مجموعه‌ای از قواعد است که ضرورتاً در یک جامعه عمل می‌کنند»<sup>۵</sup>.

نظام سوسوری «تشکل از نشانه‌هاست که آنها را می‌توان از یکسو مجموعه‌ای از آواها از و از سوی دیگر دارای معنی است. اگر بتوان جامعه و فرهنگ آن را همچون نوعی زبان دید و به شیوه سوسور آن را چونان نظام فهمید در آن صورت ابزاری نیرومند برای درک هم تفاوت‌ها و هم شباهت‌های فرهنگ‌ها در اختیار خواهیم داشت»<sup>۶</sup>.

از منظر ساختارگرایی، فهم هرگونه پدیده‌ای در اجتماع مستلزم فهم ساختارهای آن است.<sup>۷</sup> ساختار خصیصه آن سیستم اجتماعی است که در طول زمان و به مدت طولانی پایدار می‌ماند و از افرادی که در آن واجد نقشی هستند مستقل است. «همچنین ساختار آزادی افراد درون خود را مقید می‌سازد با توجه به مطالب فوق می‌توان گفت ساختارهای اجتماعی نظاماتی هستند یا دوام و سامان بخش که با تعیین فرصت‌ها و محدودیت‌ها، هدایت گروه محدودکننده یا الهام‌بخش رفتار رفتار آدمیان هستند»<sup>۸</sup>.

در نظریه ساختاری، ساختارها دارای خصوصیات غیرقابل تقلیل و به هم پیوسته و خاص خود هستند که مانند قطب متضاد در مقابل افراد قرار می‌گیرند. براساس نظریه ساختارگرایی تمامی وقایع و اعمال دارای علل و عواقب ساختاری هستند یعنی برگرفته از ساختارهای اجتماعی و اقتصادی هست»<sup>۹</sup>.

ساختارگرایی از چندین بخش و چشم‌انداز مختلف تشکیل شده است اول ساختارگرایی مثل لاکان و فروید بر ساختارهای عمیق ذهن تأکید دارند. از نظر آنها این ساختارهای ناخودآگاه مردم را به تفکر و عمل وامی‌دارند. دیگر کسانی هستند که بر ساختارهای گسترده و نامرئی جامعه تأکید دارند. دسته سوم کسانی هستند که ساختارها را به‌عنوان الگویی برای جهان اجتماعی در نظر می‌گیرند. ۱۰ در عرصه روابط بین‌الملل نئورئالیسم بخصوص روایت والتزی آن، نئومارکیست‌هایی مانند امانوئل والرشتاین و پست مدرن‌هایی چون میشل فوکو فداک دریدا از نظریه ساختاری و دیدگاه کلان‌نگرها پیروی می‌کنند.

## ۲- ساخت‌یابی

واژه ساخت‌یابی (Structuration) در اصل فرانسوی است و در زبان انگلیسی معادل ندارد و گیدنز آنرا از زبان فرانسوی به عاریت گرفته است. این نظریه «توجه خود را به تنظیم ساختار کنش‌های متقابل بین اعتقادات، نیت، اهداف، گزینش‌ها و کنش‌های فردی و جمعی انسانها از یکسو و شرایط ساختاری اندیشه و عمل معطوف می‌سازد».<sup>۱۱</sup>

یکی از کوشش‌های شناخته شده و جامع برای تلفیق عاملیت و ساختار نظریه ساختاریابی گیدنز است. گیدنز این نظریه را در دهه ۱۹۷۰ طرح کرد اما شکل کامل آن را ابتدا در سال ۱۹۷۹ و به صورت کاملتر در کتاب ساختمان جامعه در سال ۱۹۸۴ ارائه نمود. در این کتاب گیدنز اعتقاد دارد که «هر بررسی تحقیقی در علوم اجتماعی یا تاریخ بایستی کنش یا کارگزاری را با ساختار مرتبط کند».<sup>۱۲</sup> به همین جهت کار مهم گیدنز غلبه بر دوگانگی (Dualism) ساختار و کارگزار است. از نظر گیدنز جامعه هم‌ساختار است و هم کنش. از کسانی که کار گیدنز را به نقد کشیده‌اند یان کرایب است. وی درونداهای عمده نظریه گیدنز را برشمرده است. کرایب معتقد است که نظریه ساختاربندی را بایستی معادل کارکردگرایی ساختاری به حساب آورد. این کار تلاش به منظور حفظ مفهوم ساختار به مثابه یک کل است. در حالیکه پیشین‌های چرخش‌زیانی در فلسفه و بخصوص روش‌شناسی مردم‌نگر در جامعه‌شناسی را نیز می‌خواهد حفظ کند و اضافه می‌کند که «گیدنز وامدار روش‌شناسی را نیز می‌خواهد حفظ کند و اضافه که «گیدنز وامدار روش‌شناسی مردم، الگوی سه وجهی فروید از نهاد، خود و خود برنز و نیز جمله کلیدی مارکس درباره جامعه و انسان است».<sup>۱۳</sup>

از نظر گیدنز «ساختارهای اجتماعی عبارتند از مجموعه کلی و مرتبات ظاهرشونده از قواعد، نقش‌ها، روابط و معانی که افراد در درون آنها به دنبال آینده به کمک آینده به کمک اندیشه و عمل انسانها سازماندهی، بازتولید و متحول می‌شود»<sup>۱</sup>.

این انسانها هستند که در طی زمان ساختارها را خلق می‌کنند و مبتکر تحول در آنها می‌گردند نه خود جامعه؛ ولی فعالیت‌ها و ابتکارات خلاقانه آنها تابع محدودیت‌های اجتماعی است. در بعد هستی‌شناسی، ساخت‌یابی مشروعیت قطب‌بندی کنش و جامعه را قبول ندارد و بر آن است که کنش و جامعه را به‌عنوان شئون متداخل و تأثیرگذار بر هم مفهوم‌پردازی کند.

یکی از انتقادات گیدنز بر ساختارگرایی و فراساختارها این است که آنها نتوانسته‌اند یک مرجع قابل اتکا برای خود خلق کنند و پایه‌ای فلسفی برای خود ایجاد کنند.<sup>۱۵</sup>

کار اصلی گیدنز در نظریه ساخت‌یابی این است که نشان دهد چگونه ساختارها ایجاد می‌شوند و روند شکل‌گیری و زایش ساختار در یک رابطه بین نیروها و عوامل ذهنی و فاعلی چگونه است. این نظریه در حقیقت دوگانگی توجه به ساختارها از ابعاد گوناگون که روابط

متقابل بین سوژه و ابژه را به‌عنوان دو جوهر متفاوت در خود دارد می‌پردازد.<sup>۱۶</sup>

جوهر نظریه ساخت‌یابی، توضیح رابطه متقابل و دیالکتیکی کارگزاران و ساختارهاست، به عبارتی ساختار و کارگزار را نمی‌توان از هم جدا فرض کرد. آنها دو روی یک سکه هستند و در اصطلاح گیدنز «هرکنش اجتماعی دربرگیرنده ساختاری است و هر ساختاری به کنش اجتماعی نیاز دارد. بنابراین کارگزار و ساختار به‌گونه جدایی‌ناپذیری در فعالیت‌های روزمره در یکدیگر تنیده شده‌اند».<sup>۱۷</sup>

گیدنز کارش را از کشش‌های کارگزاران انسانی شروع می‌کند و تأکید می‌کند که بایستی این عملکردها را حالتی بازگشتی (Recursive) در نظر آورد. به عبارتی کارگزاران اجتماعی، فعالیت‌های انسان را ایجاد نمی‌کنند بلکه این کنش‌ها از طریق همان راههایی که انسانها خودشان را به‌عنوان کنشگر مطرح می‌سازند، دائماً باز تولید می‌شوند، عوامل انسانی از طریق کنش‌های خود شرایطی را به وجود می‌آورند که این کنش‌ها را ممکن می‌سازد.<sup>۱۸</sup> بر اساس اندیشه گیدنز فعالیت‌ها را نه آگاهی ایجاد می‌کند و نه ساخت اجتماعی واقعیت و نه ساختار

اجتماعی، بلکه انسانها ضمن ابراز وجود به عنوان کنشگر درگیر فعالیت می‌شوند و از طریق همین فعالیت است که هم آگاهی و هم ساختار ایجاد می‌شود. گیدنز مورد جالب توجهی از آمیزش اراده باوری و جبرباوری است. گیدنز می‌گوید «یکی از بلندپروازیهای اصلی من در صورتی نظریه ساخت‌یابی این است که به این دو امپراطوری پایان دهم. در نظریه ساخت‌یابی حیطه اصلی فعالیت مطالعه علوم اجتماعی نه تجربه فرد کنشگر و نه وجود هیچ شکلی از کلیت اجتماعی است، بلکه اعمال اجتماعی که در طول زمان و مکان نظم یافته‌اند، قلمرو مطالعاتی علوم اجتماعی است.»<sup>۱۹</sup>

مفهوم آگاهی علمی در نظریه ساخت‌یابی بسیار بنیادی است. این همان خصوصیت کارگزار یا فاعل انسانی است که ساخت‌گرایی نسبت به آن غافل بوده است، اما سایر تفکرهای عینی‌گرایانه هم مانند ساخت‌گرایی این خصوصیت را درنیافته‌اند. در میان سنت‌های جامعه‌شناسی، فقط در پدیدارشناسی و انتومتدولوژی یا روش‌شناسی قومی است که بررسی‌های مشروح و باریک‌بینانه‌ای درباره ماهیت آگاهی عملی درمی‌یابیم. در واقع، همین مکاتب فکری، به همراه فلسفه زبان متعارف بوده‌اند که کاستی‌های نظریه‌های سنتی علم اجتماعی را از این جهت عیان ساخته‌اند.<sup>۲۰</sup>

تولید و بنا ساختن جامعه کار ماهرانه‌ای که اعضای جامعه انجام می‌دهند. اما این کار تحت شرایطی انجام می‌گیرد که نه کاملاً عمدی است و نه کاملاً از جانب آنها درک می‌شود. کلید فهم نظم اجتماعی به کلی‌ترین معنای واژه نه درونی شدن ارزشها بلکه تغییر روابط میان تولید و باز تولید زندگی اجتماعی به دست کنش‌گران آن است. اما هر باز تولیدی ضرورتاً تولید نیز هست.

و بذر تولید در هر عملی است که در باز تولید هر شکل نظم یافته زندگی اجتماعی مشارکت می‌کند. فرایند بازتولید از باز تولید اوضاع و شرایط مادی وجود بشر آغاز می‌شود و به همان میزان نیز بستگی دارد، یعنی بازآفریدن نوع بشر و دگرگون ساختن طبیعت.<sup>۲۱</sup>

گیدنز ساخت‌یابی خود را از بین دو موضع که سایر نظریه‌پردازان آنان را نقطه مقابل هم تلقی می‌کنند به وجود آورد. یعنی از بین نظریه‌های مربوط به جمع از یک طرف و نظریه‌های مربوط به فرد از طرف دیگر. او در بین نظریه‌های مربوط به جمع از یک طرف و نظریه‌های مربوط به فرد از طرف دیگر. او در بین این نظریه زمینه مشترکی را می‌یابد تا بر اساس یک